

چالش‌های پیش روی دانش‌آموزان و شیوه مواجهه ما با آنها

شاید موضوع و محتوای این سرمقاله بیشتر مربوط به همکاران خانم در مدارس دخترانه باشد و به‌ظاهر کمتر به همکاران مرد مربوط شود؛ اما اگر به عمق موضوع و محتوای آن نگاه کنیم، دانش‌آموزان پسر و معلمان آنها را نیز در بر خواهد گرفت.

موضوع یا بهتر بگوییم، مسئله ما، چالش‌های بزرگ و سخت پیش روی دختران دانش‌آموز و نوجوان کشورمان ایران است. از دو دهه پیش فعالیت‌ها و حرکت‌های گسترده‌ای برای حمله به هویت دینی و ملی دختران ما شکل گرفت و به تدریج پیش آمد تا اینکه در نیمه دوم سال ۱۴۰۱ به اوج خود رسید، به طوری که شما دبیران تفاوت‌های محسوسی را میان بسیاری از دانش‌آموزان سال ۱۴۰۰ با دانش‌آموزان سال ۱۴۰۱ مشاهده کردید. بنا بر گزارش‌ها و نقل‌های خود شما، رفتارهایی از برخی دانش‌آموزان دختر ما سر زد که تا قبل از آن قابل‌تصور و پیش‌بینی نبود، اما به وقوع پیوست و در فضای مجازی دست‌به‌دست شد.

نگران‌کننده‌ترین مسئله‌ای که در این میان پدیدار شد، این بود که رفتار و موضع‌گیری منفی برخی از دانش‌آموزان نسبت به دین و احکام دینی به‌خصوص درباره زن و پوشش او حالتی آشکار و تهاجمی به خود گرفت و به‌صورتی کاملاً علنی در محیط مدرسه و رسانه‌های مجازی و شبکه‌ها و گروه‌های اجتماعی بروز و ظهور یافت. این رفتارهای نامتعارف و تند که از برخی از این دختران سر زد نشان داد که تأثیرپذیری این گروه از دانش‌آموزان از فضای مجازی و رسانه‌های مخالف فرهنگ دینی و ملی ما بالاست و این تأثیرپذیری می‌تواند در شرایط پیچیده و حمله همه‌جانبه رسانه‌های دشمنان دین و فرهنگ، کار را بر ما مشکل کند و برخی از دختران ما را گرفتار تحلیل‌های غلط و رفتارهای ناپسند سازد. بسیاری از این رفتارهای ناپسند هم‌اکنون در خاطره شما زنده است و نیازی به تکرار و بازگرددن آنها نیست. برخی از آنها را هم اکنون هم مشاهده می‌کنید و ما نمی‌خواهیم به ذکر آنها در اینجا بپردازیم. اما اگر بخواهیم علل بروز این رفتارها را بیابیم و مقصر را شناسایی کنیم، روشن و واضح است که این دختران و این دانش‌آموزان کمتر از همه مقصردند، و شاید اصلاً مقصر نباشند. به همین جهت معلمان و نیز آن دسته از دانش‌آموزان که گرفتار این قبیل ناهنجاری‌ها نشده‌اند، این دسته از دانش‌آموزان را فرزندان و خواهران خود می‌دانند که باید برای رساندن آنها به حقیقت، یاریشان کنند و با دلسوزی تمام، همان‌طور که برای فرزند و خواهر خود دل می‌سوزانند، مشکلات را تحمل کنند و پذیرای سختی‌های این راه باشند.

در این شرایط که حقانیت اسلام و احکام دین درباره زن و پوشش زن برای برخی از دانش‌آموزان ما مخدوش گردیده و آنها را به دودلی و شک و در مواردی به انکار کشانده است، عمل، منش و روش ما برای بازگرداندن آنها به دامان دین و رفتار دینی، نقش اساسی و محوری دارد. اهم این منش‌ها و روش‌ها عبارت است از:

۱. قاطعیت و عدم تردید در عقیده؛ دانش‌آموز مسئله‌دار ما باید احساس کند که ما به آنچه معتقدیم، شک و تردید نداریم و از این اعتقاد خود بدون دودلی دفاع می‌کنیم و در شرایط سخت، آن را از دست نمی‌دهیم. اگر ما در افکار و عقاید خود ثابت‌قدم و قاطع نباشیم، نه تنها نمی‌توانیم بر دیگران تأثیر مثبت بگذاریم، بلکه آنها را نسبت به آنچه معتقدیم، دورتر می‌کنیم. زیرا آنها با خود می‌گویند اگر نظرات این شخص درست می‌بود، ابتدا بر خودش تأثیر می‌گذاشت و خودش آن را قاطعانه می‌پذیرفت.

۲. پیروی از منطق و استدلال؛ دانش‌آموز ما باید احساس کند که دفاع قاطعانه ما از معارف و احکام دین، براساس یک تعصب کورکورانه و عادت موروثی نیست. بلکه براساس تفکر و خرد و تشخیص عقلانی و درست

در این شرایط که حقانیت اسلام و احکام دین درباره زن و پوشش زن برای برخی از دانش‌آموزان ما مخدوش گردیده و آنها را به دودلی و شک و در مواردی به انکار کشانده است، عمل، منش و روش ما برای بازگرداندن آنها به دامان دین و رفتار دینی، نقش اساسی و محوری دارد

است. این دفاع منطقی و درست، وقتی با ایستادگی و قاطعیت همراه شود، حقانیت ما را بیشتر آشکار می‌کند. اما اگر بخواهیم با سستی و بدون منطق و با دودلی از عقاید خودمان دفاع کنیم و به تعبیر قرآن کریم «مذبذبین بین ذلک، لا الی هؤلاء و لا الی هؤلاء» نساء/۱۴۳ باشیم، نزد دانش‌آموزان خود، انسان ضعیفی جلوه خواهیم کرد که از اعتماد به نفس کافی برخوردار نیستیم. یعنی اصل شخصیت ما برای دانش‌آموزان منفی و دوست‌ناداشتنی جلوه خواهد کرد.

دانش‌آموز و یا هر مخاطب دیگر اگر احساس کند که مثلاً یک مبلّغ حجاب، در مورد خوبی حجاب قاطع است و این قطعیت را با فکر و تأمل به دست آورده و در هر محفلی و مجلسی و در هر محیطی، چه مذهبی و چه غیرمذهبی، با اعتماد به نفس از پوشش خود دست بر نمی‌دارد، آن دانش‌آموز و آن مخاطب تحت تأثیر شخصیت و منش این مبلغ قرار می‌گیرد و خود را به او نزدیک می‌یابد.

۳. همدلی و همراهی با دانش‌آموزان مسئله‌دار؛ گفتیم که برخی از دانش‌آموزان دختر و پسر ما که تعدادشان کم هم نیست، نسبت به احکام اسلام درباره زن و پوشش او به مرحله انکار رسیده‌اند و این انکار و بی‌توجهی را در محیط آموزشی ابراز کرده و می‌کنند. به‌طور قطع می‌توان گفت که این افکار و این موضع‌گیری منفی، در اغلب موارد، ریشه فکری ندارد و مبتنی بر استدلال و تحقیق نیست. بلکه نتیجه هجوم عظیم رسانه‌ای، دنباله‌روی از چهره‌ها، دنباله‌روی از همسالان و به‌خصوص خودکم‌بینی هویتی و فرهنگی است، که البته همه این موارد در بستری از نارضایتی‌های اجتماعی و ناکارآمدی بخش‌هایی از نظام، زمینه بروز و ظهور می‌یابند و مخاطبان را به دنبال خود می‌کشاند.

از آنجا که رفتار این قبیل دانش‌آموزان، نتیجه عوامل فوق و وضع موجود جامعه است، باید حداکثر تلاش را برای هدایت آن‌ها به کار برد و با آن‌ها همراه و هم‌دل شد تا آن دانش‌آموزان نزدیکی و انس و قرابت بیشتری میان خود و ما معلم دینی احساس کند و در درون خود کششی مجدد به سوی دین را بیابد. ارتباط کلامی صمیمانه و اظهار محبت بی‌شائبه به او دروازه ورود به این همدلی و همراهی است.

۴. مجهز بودن به اطلاعات ضروری؛ دانش‌آموزی که با کمترین اطلاعات از جامعه غربی و با دنباله‌روی از رسانه‌ها و چهره‌ها و دل‌زدگی از مشکلات فعلی جامعه، دل به غرب و سبک زندگی غربی سپرده و می‌پندارد که وضع زن در جامعه‌های غربی، همان وضع ایده‌آل و آرمانی است، باید از این پندار بیرون آید و از ورای رسانه‌ها و تبلیغ سنگین رسانه‌ای، به‌طور محسوس و ملموس، از واقعیت زندگی زن در غرب آگاه شود و درک درستی از جایگاه زن در تمدن جدید و دنیای فعلی به دست آورد. و این امر، نیازمند آن است که معلمان ما، مجهز به اطلاعات ضروری در این باره باشند تا بتوانند آن اطلاعات را در اختیار دانش‌آموزان خود بگذارند. خوشبختانه، تحقیقات و پژوهش‌هایی که توسط متفکران دلسوز غربی در این زمینه صورت گرفته، منبع بسیار خوبی است که می‌توان از آن‌ها بهره برد.

اگر معلمان عزیز، به‌خصوص با محوریت سرگروه‌ها و دبیرخانه و با تقسیم کار گروهی، مجموعه‌ای از اطلاعات را در این باره فراهم کنند و در سامانه‌ای در اختیار یکدیگر قرار دهند، می‌توانند در کمترین زمان به بیشترین اطلاعات برسند و آن را در یک بانک اطلاعات در سامانه‌های گروهی خود ذخیره نمایند و از آن بهره ببرند.

علاوه بر این، لازم است که دانش‌آموزان، از ورای تبلیغ رسانه‌های سنگین علیه احکام اسلامی درباره زن، پیام‌های درست و تحلیل‌های روشن و شفاف و مؤثر نسبت به این احکام دریافت کنند و معلم ما باید مجهز به این پیام‌ها و تحلیل‌ها باشد. خوشبختانه در این مورد هم تألیفات و تحقیق‌های خوبی، هر چند ناقص، وجود دارد که شایسته است، یک کار گروهی، توسط خود همکاران گردآوری شده و مورد استفاده قرار بگیرد.

بالاخره، همت ما و تلاش و پشتکار مداوم ما و ابتکارات تعلیمی و تربیتی ما از عوامل بسیار مؤثر در هدایت فرزندان ما برای غلبه بر پندارهای ناصحیح و رسیدن به افکار و موضع‌گیری‌های صحیح می‌باشد.

در پایان این سرمقاله، ستایش و سپاس بیکران خود را تقدیم به خدای متعال می‌کنم که این توفیق را رفیق راه اینجانب کرد که سالیان متمادی در کسوت سردبیری مجله رشد معارف اسلامی در خدمت دبیران گرامی در سراسر کشور باشم و در یک فعالیت علمی و تربیتی با آنان همراه باشم. همچنین بر خود لازم می‌دانم که از عزیزان محقق و فرزانه‌ای که در این سال‌ها در مدیریت این مجله با بنده همکاری کرده‌اند، به‌خصوص از جناب آقای دکتر خالقیان و سرکار خانم فخر و جناب آقای یونس باقری تشکر و قدردانی کنم.

خوشبختانه، تحقیقات

و پژوهش‌هایی که
توسط متفکران دلسوز
غربی در این زمینه
صورت گرفته، منبع
بسیار خوبی است که
می‌توان از آن‌ها بهره

برد

